

رژیم پهلوی و همایش هفتم اکتبر ۱۹۳۸ قاهره در خصوص فلسطین

علی سام

مقدمه:

در سال ۱۸۸۹ گروهی از یهودیان روسی الاصل اولین مهاجرنشین‌های فلسطین را تشکیل دادند و نیز در ۱۸۹۷ سازمان صهیونیسم جهانی به صورت مرکز تشکیلاتی و سیاسی، جنبش صهیونیستی ایجاد شد که قیصر آلمان اولین حامی آنها برای استقرار در فلسطین بود با این اوصاف از ۱۸۸۲ تا ۱۹۱۴ کل یهودیان مهاجر در فلسطین ۹۰ هزار نفر بودند.

در دوم نوامبر ۱۹۱۷ دولت انگلستان اعلامیه‌ای را در مورد سیاست خود در فلسطین صادر کرد این اعلامیه به شکل نامه‌ای از بالفور، وزیر امور خارجه‌ی انگلستان خطاب به روجیلد بانکدار. انگلیسی - یهودی انتشار یافت. اعلامیه‌ی بالفور اشعار می‌داد که: « دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس با تأسیس وطنی ملی برای یهودیان در فلسطین نظر موافق دارد و نهایت کوشش خود را برای نیل به این هدف مبذول خواهد داشت» که علاوه بر انگلستان دول «آمریکا، فرانسه، ایتالیا» از این اعلامیه حمایت کردند.^۱

چند ماه قبل از صدور این اعلامیه بود که نیروهای انگلیسی با فرماندهی آلبنی (Allenby) و حمایت نیروهای اعراب با رهبری لورنس - فیصل از شرق و ناوگان دریایی فلسطین در غرب به فلسطین حمله کردند و در ۹ دسامبر ۱۹۱۷ آن را از دست دولت عثمانی خارج کردند.

انگلیس برای طفره رفتن از تعهدات پیشین خود « قرارداد ملک ماهون - حسین، که طی آن در ۱۹۱۵ انگلستان قول داده بود فلسطین را در نوعی کشور عرب ادغام کند و نیز قرار داد منعقد با روسیه در

سال‌های ۱۹۱۶ که تعهد کرده بود نوعی نظارت بین‌المللی در فلسطین اجرا شود» از جنبش صهیونیستی که در اواخر قرن نوزدهم گسترش یافته بود، بهره گرفت و اقدام به حمایت از یهودیان برای ایجاد نیروی متحد خود در شرق و همسایگی روسیه نمود. با گسترش خبر ورود یهودیان به فلسطین که پس از جنگ جهانی اول زمزمه‌های آن به گوش می‌رسید مسلمانان نیز دست به اقداماتی برای حمایت از برادران فلسطینی خود زدند ولی اقداماتشان به عللی چند با موفقیت مواجه نشد. از جمله‌ی این دلایل وابستگی حکام کشورهای اسلامی به نیروهای استعمارگر غربی بود. به این شکل که یا به طور مستقیم توسط استعمار به روی کار آمده بودند و یا توسط استعمار حمایت می‌شدند. به طوری که خاورمیانه در سالهای بین دو جنگ جهانی، تحت سلطه‌ی مستقیم انگلستان قرار داشت. (برای واضح‌تر شدن موضوع برخی از حکومت‌های اسلامی را نام می‌بریم)

عربستان و عراق، شریف مکه با حمایت انگلستان بر عربستان مسلط شد و امیر فیصل فرزند ارشدش نیز حاکم عراق.

سوریه و عربستان، تحت‌الحمایه‌ی انگلستان قرار داشتند.

ترکیه، که سرزمین‌های عربی خود را در طی جنگ جهانی اول از دست داده بود و در سال ۱۹۲۳ م دولت جمهوری خواه مصطفی کمال «آتا ترک» بر روی کار آمد. به طور کامل تابعی از غرب و مظاهر آن بود.^۱ ایران، الگویی برگرفته از ترکیه‌ی نوین بود با رهبری دیکتاتوری به نام رضاشاه پهلوی، علاوه بر تابعیت از غرب، عامل قوی دیگری برای عدم حمایت از فلسطین و بهانه‌ی آن ترس از اعراب و ایجاد حکومتی قوی و یکپارچه توسط آنها بود. به همین دلیل در پی حمایت از تشکیل حکومت غیر عرب در خاورمیانه بود برای ناتوان سازی ملل عربی - اسلامی خاورمیانه.^۲

شرح اسناد:

سند اول، نامه‌ای به زبان عربی می‌باشد که در آن رئیس کمیسیون پارلمانی مصر برای دفاع از فلسطین (محمد علی علویه) از رئیس مجلس شورای ملی (حسین اسفندیاری) دعوت نموده است با همراهی دیگر اعضاء و نمایندگان مجلس شورای ملی در همایش بلودان برای دفاع از فلسطین در برابر مصائب یهود شرکت نمایند.

سند دوم، سندی می‌باشد به دو زبان انگلیسی و عربی از سوی رئیس جمعیت جوانان مسلمان. (دکتر عبدالمجید سعید) که طی آن شرحی از حمایت انگلیس برای استقرار یهودیان در فلسطین آورده. همراه با بیان اجحافات آنها در حق مسلمانان فلسطین.

سند سوم: نامه‌ای به فرانسه از سوی منشی کنگره‌ی بین‌المللی حمایت از فلسطین می‌باشد که طی آن ممالک شرکت کننده در همایش را نام می‌برد و ۵۰ عدد کارت دعوت به همایش را برای رئیس مجلس شورای ملی می‌فرستد.

سند چهارم:

رونوشت نامه‌ای از سوی ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی خطاب به دارالانشاء کنگره مجالس ملی درباره فلسطین، طی آن شرکت رئیس مجلس شورای ملی و نمایندگان آن را در این کنگره صلاح نمی‌داند و دلایل حکومت شاهنشاهی، برای عدم شرکت در این کنگره را بیان می‌کند که می‌توان دلایل شرکت نکردن آنرا در ۴ مورد بیان کرد.

(الف) عدم داشتن نفع مستقیم و مسلم برای حکومت پهلوی.

(ب) دولت ایران خود را دولتی غیر عرب و عاری از ناسیونالیسم عربی دانسته، با تاکید بر ایرانی بودن. لزومی ندانسته در منازعات قومی شرکت نماید.

(ج) عدم دخالت مذهب در سیاست که براساس آن عدم حمایت از کشورهای مسلمان را توجیه می‌کند.

(د) در برابر شرکت در کنفرانس قاهره، بر شرکت در پیمان سعدآباد تاکید می‌کند که پیمانی دفاعی بین کشورهای خاورمیانه بود برای همکاری و عدم تعرض ناحیه‌ای، این پیمان در ۴ تیر ۱۳۱۶ بین ۴ کشور (ایران، ترکیه، عراق و افغانستان) منعقد شد.^۴

سند پنجم، شامل گزارش وزارت خارجه ایران در باب نامه‌ی ارسالی علویه پاشا برای شرکت در همایش قاهره است. طی آن بیان نموده است که شخص مذکور به همراه دوتن از نمایندگان فلسطین و آقای مهدی رفیع مشکی، با حضور در سفارت ایران در قاهره، بیان نموده‌اند؛ همایش مذکور همایشی غیر رسمی بوده و تنها برای بیان این امر می‌باشد که تمام ملل مسلمان نسبت به حل مسئله فلسطین راغب می‌باشند. در این سند است که بیان می‌شود. همایش حمایت از فلسطین به جای بلودان سوریه در قاهره بر پا می‌شود.

سند ششم، نامه‌ای است به زبان فرانسه از سوی حسن اسفندیاری و رئیس مجلس شورای ملی برای علویه پاشا رئیس کمیته پارلمانی دفاع از فلسطین و طی این نامه از عدم حضور خود و نمایندگان مجلس شورای ملی در کنگره قاهره به علت بیماری خود و بسته بودن دوماهه مجلس شورای ملی، پوزش خواسته و آرزوی توفیق برای اصلاح احوال فلسطین را نموده است.

قاهره به تاریخ ۱۴/۶/۱۳۲۸

حضرت بزرگوار محتشم السلطنه حاج حسن اسفندیاری عزیز سلام و و رحمت خدا بر شما و بعد من افتخار دارم به این که حضرت شما را مطلع می‌نمایم به تشکیل یک کمیسیون پارلمانی در مصر برای دفاع از حقوق فلسطین بر ضد جنایات یهودیت. این کمیسیون تشکیل شده از اغلب اعضاء مجلس سنا و مجلس شورای ملی مصر- و آنها سزاوارترین مردم هستند در مصر برای دفاع به معنی واقعی از برادران صدمه دیده‌ی خودشان در فلسطین - و آنها صلاح دیده‌اند که اظهار این احساسات را با معاونت بردار آن و هم قطارهای خودشان از بزرگان و نمایندگان ملل عربی و شرقی بنمایند و این عمل به وسیله‌ی تشکیل یک مجمع عمومی در ماه سپتامبر در شهر بلودان سوریه انجام خواهد شد. و ما به شما ملتجی شده‌ایم برای سعی کردن در اعزام نمایندگان هیئت و کلاء مجلس شورای ملی وطن عزیز خودتان در این مجمع عمومی و ما امید داریم به همتی که در شما شناخته شده بر این که بوده باشد بهترین کمک از برای هم‌قطارهای مصری خودتان در اجرای این فکر و منت بگذارید بر ما به تصمیمی که اتخاذ خواهید فرموده و وصول جواب در فرصت نزدیکی تا اینکه لازم کار را آماده نمائیم: تفضل بفرمائید به قبول بزرگترین تشکر و بزرگترین احترام.

رئیس کمیسیون پارلمانی مصری دفاع فلسطین

محمدعلی علوبه



انجمن جوانان مسلمان مرکز، خیابان ۱۲ ملک نازلی قاهره (مصر) یک گردهمایی عربی از سوی کمیته عالی دفاع از فلسطین برای عالم اسلام و ملت انگلیس

مراجع حکومت انگلیس در فلسطین در طی ۲۰ سال گذشته نه تنها به هزینه کردن پول‌هایی که مردم بریتانیا به عنوان مالیات می‌پردازند محدود نشده‌اند، بلکه خون سربازان انگلیسی را نیز به منظور آوردن یهود از ملل و کشورهای مختلف برای جایگزین کردن آنها به جای سرزمین اعرابی که چهارده قرن در آنجا ساکن هستند، ریخته‌اند. با این عمل، جمعیت یهودی ساکن فلسطین به چهار صد هزار نفر رسیده است. که حتی از میان هشت تایی آنها هفت تایشان در سرزمین‌هایی غیر از فلسطین متولد شده‌اند، که دارای هیچ‌گونه پیوستگی و حس قرب و خویشاوندی با سرزمین فلسطین نمی‌باشند.

(انگلیسی‌ها) این روش را در پیش گرفته‌اند که در دل کشور ملی اعراب یک ملت یهودی ایجاد بکنند با گردآوری افراد خارجی در این مکان، این چنین عملی حتی برای بی‌فرهنگ‌ترین نژادها نیز ناشناخته و بیگانه است.

انگلیس مأموریتش در فلسطین به موارد فوق محدود نشد. بلکه سعی کرده اعراب را از خانه‌هایشان خارج کند. و آنها را از حقوق ملی‌شان محروم کند. آنها علاوه بر این به مسلمانان در مذهبشان بدرفتاری می‌کردند. و به مساجد و مکانهای مقدسشان حمله کردند. به مردان مذهبی‌شان، قضات شرعی، پیشوایان نمازگذاران، و عاظ و ... توهین می‌کنند. جلسات مذهبی آنها را منحل می‌کنند. این در حالی است که یهودیان برای برپایی شعائر مذهبی‌شان از همه نوع آزادی بهره می‌برند. چنان قدرتی را در پادشاهی اسرائیل بدست آورده‌اند که هرگز آن را حتی به خواب هم نمی‌دیدند.

در برابر این اجحافات به طور واضح نمایان می‌شود که سربازان انگلیسی به مسجدالاقصی وارد می‌شوند. که یکی از با حرمت‌ترین مساجد جهان اسلام می‌باشد. اولین قبله‌گاه مسلمانان است و به عنوان بالاترین مکان مقدس و با حرمت، مسلمانان است پس از مکه و مدینه آن مکانی است که خدا آن را مبارک دانست (بر اساس متن قرآن مقدس) و از آنجا بود که پیامبر ما (دروود و صلوات خدا بر او و دیگر پیامبران باد) به معراج رفتند.

اشغال و تصرف مسجد توسط پلیس به طور مشترک غیر مسلمان و یهود را متأثر و خشمگین کرد و تمام مسلمانان سر تا سر جهان وقتی که چنین اخباری را شنیدند (همچنین متأثر شدند)

علمای سوریه، لبنان، عراق و نیز تشکیلات مذهبی کشورهای مختلف بر این امر اعتراض نمودند. آنها معتقد بودند که بریتانیای کبیر، احساسات مسلمانان جهان را جریحه دار کرده است، منجر به این شده که آنها (مسلمانان) از هر نوع حرکت رخ داده‌ای احساس ناامیدی و نارضایتی بنمایند.

این امر به نظر می‌رسد که (حکومت انگلیس) با این کاری که انجام داده است به یک نوعی به

اوضاع حساس جهان بی‌توجهی کرده است، به طوری که نمونه‌ی بارز این امر شامل عمل آنها در باب مسجدالاقصی و همچنین مسجد ام‌الفحم می‌باشد که آن را به سربازخانه‌ی نظامی تبدیل کردند. رهبر و پیشوای نمازگذاران و مؤذن آنجا را به ناحیه‌ی دوری فرستادند و عبادت را متوقف کردند.

امین بیع‌التیمی که عضو بلند پایه‌ی انجمن اسلامی بود و نفر دوم بعد از سید محمد امین الحسینی (رئیس کل تشکیلات) را معذول نمودند. شیخ محمد موته درویش = قاضی مسلمان در یافا (Jaffa)، شیخ محمد صبحی خیزران = قاضی حيفا، شیخ مصطفی فذیل العوری = قاضی غزه، شیخ محمد سعدالدین = معاون دادرسی صفد (safad) و بسیاری از مأموران و کارکنان دادگاه‌های قضایی اسلامی و اوقاف، دستگیر شدند.

سربازان هنگام دستگیری آنها به شکل توهین‌آمیزی رفتار کردند، به طور واضح و مشهودی این امر، پستی و بی‌اخلاقی آنها را نشان داد. آنها را در «المزرعه» بدون اینکه گناه و تقصیری داشته باشند زندانی کردند. قبل از این قضیه بسیاری از قضات شرعی، وعاظ، علما، سخنرانان و سایر افراد با وظایف مذهبی را دستگیر و به زندان بردند. به شکل بدی با آنها رفتار می‌کردند، به طور آزادانه به آنها اجازه نمی‌دادند که مناسک و اعمال مذهبی‌شان را انجام دهند. این در حالی بود که اتهام برضد آنها هنوز آشکار نشده بود.

این جنگی است که مراجع بریتانیا در فلسطین برضد دین اسلام و چهارصد میلیون پیروان این دین در سراسر دنیا اعلان کردند. و هر یک از این مسلمانان قلبی دارد که دارای قابلیت عشق ورزی و نفرت می‌باشد و نیز هر یک از آنها (به قدر کفایت) قدرتی کم و زیاد دارند. تمام آنها از عشق برای دوستان (و دوستداران) مسلمانان خود و از تنفر برای دشمنان برادران دینی خود استفاده می‌نمایند.

فلسطین، امروز در مرکز نظارت و دیدگان دنیای اسلام قرار دارد. این بی‌رحمی‌ها در فلسطین، مسلمانان را برای پیوستن و همکاری با هم بر ضد ظالم گرد هم می‌آورد. بدون هیچ‌گونه شک‌ی مردم انگلیس نباید از بیان سست حکام و حکومت‌های اسلامی در برابر دولت بریتانیا دچار اشتباه شوند. زیرا که ملت (مسلمان) در برابر قضیه‌ی فلسطین خیلی خشمگین می‌باشد. آنها درخواست کرده‌اند، زمانی کافی به آنها برای خارج شدن از این تنگنا داده شود که به مسیر صحیح برگردند. بدبختانه این سستی (حکام اسلامی) منجر شده است که مراجع بریتانیا با تکیه بر خشونت با مسلمانان رفتار نمایند و به زیارتگاه‌های مذهبی حمله کنند. که ممکن است به دردسری بزرگ با نتایج بد منجر شود. مگر این که سیاستمداران دانا و دوراندیش انگلیس این موضوع را به طور قابل توجهی مورد رسیدگی قرار بدهند. این امر باید به شکل فوری و یکباره صورت بگیرد و اگر به تعویق بیفتد، چاره دیر هنگام ممکن است بیهوده باشد. این امر در دنیای امروزی مانند یک بشکه‌ی باروت لرزان می‌باشد. رهبران اسلام باید برای شهرت و بزرگی فلسطین عربی وظایف مقدسشان را انجام بدهند. آنها باید در برابر الله و تمام مردم به طور دقیقی پاسخ‌گو باشند «بگو که شماها (در راه خدا) اقدام می‌نمایید و خدا نیز بر شما و پیامبران و مؤمنان (راه را) نمایان می‌نماید (شما را راهنمایی می‌نماید) و آنچه را که به صورت راز و پنهان است خداوند از عالم غیب برایتان نمایان می‌نماید. آن امر برایتان علنی می‌شود، و او آنچه را که شما می‌خواهید انجام دهید را برایتان آشکار و معلوم می‌سازد «قرآن کریم»

قاهره ۱۰ آوریل ۱۹۳۸ (۹ صفر ۱۳۵۷ هـ)

رئیس انجمن جوانان مسلمان
کمیته‌ی عالی دفاع از حقوق فلسطین
دکتر عبدالحمید سعید

حضرت عالی حسن اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی ایران (تهران) حضرت عالی

در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۳۸ این افتخار را داریم که به شما پیام مربوط به فراخوان مربوط به شرکت کردن مجلس شورای اسلامی ایران در کنگره‌ی بین‌المللی که در تاریخ ۷ اکتبر ۱۹۳۸ برگزار می‌شود، ابلاغ نمایم که در آن وزرای کشورهای مختلف عرب و مسلمان از جمله مصر، سوریه، لبنان، عراق و ماورای اردن حضور خواهند رساند.

این کنگره برگزار شده است جهت ابلاغ نظر و عقاید نمایندگان برگزیده از ملت‌های عرب و مسلمان راجع به مسئله فلسطین و نیز برای حمایت از برادرانمان اعراب فلسطین و دفاع و حمایت از حقوقشان. از آنجایی که هیچ‌گونه جوابی از طرف شما دریافت نشده ما این افتخار را داریم که این پیام را به شما ابلاغ نمائیم با امید حضور پرشورتان و همکاران ارجمندتان در این کنگره همانند دیگر کشورهای عرب و مسلمان که به این فراخوان پاسخ داده‌اند.

به پیوست این، ۵۰ کارت دعوت مخصوص اعضای محترم مجلس شورای ملی ایران به شما تقدیم می‌شود. با این امید.

از شما تقاضا داریم حضرت عالی که به این فراخوان دقت لازم را مبذول فرمائید
منشی کنگره بین‌المللی حمایت از فلسطین.

(متن دعوت‌نامه)

کمیته‌ی پارلمانی مصر برای حمایت از فلسطین

محمدعلی علوبه پاشا رئیس کمیته‌ی پارلمانی دفاع از فلسطین، این افتخار را داریم که از شما تقاضا نمائیم که در کنگره‌ی پارلمانی کشورهای عرب و مسلمان حضور برسانید که در قاهره در تاریخ جمعه ۱۲ شعبان ۱۳۵۷ یا ۷ اکتبر ۱۹۳۸ برگزار می‌شود جهت بررسی وضعیت فعلی فلسطین.

تهران ۲ اکتبر ۱۹۳۸

جناب آقای علوبه پاشا رئیس محترم کمیته‌ی پارلمانی برای دفاع از فلسطین
مراسله‌ی گرامی مورخه‌ی ۱۲ و ۷ و ۲۸ وقتی به طهران رسید که شخصاً به واسطه‌ی ناخوشی مقداری
بستری و چندی به دستور طبیب در آب معدنی خارج طهران مشغول معالجه بودم و بعلاوه مجلس شورای
ملی برای دو ماه تعطیل بود و همکاران این جناب غالباً در مسافرت بودند. بعد از تشکیل مجلس وقتی به
مراتب مرقومه مستحضر شدند که فرصت فوت شده بود این است که به نام خود و رفقاییم از دعوتی که
به مناسبت جامعیت اسلامیت و هم دردی در این موضوع فرموده‌اند امتنان نموده و تأسف خود را از اینکه
به لحاظ این پیش آمد ممکن نشده است که به حضور در هیئت مقرر موفق شوند اظهار میدارم و بدیهی
است که همگی اصلاح احوال فلسطین و رفع مشکلاتی که در آنجا واقع است آرزومند و توفیق‌کنگره
محترم را در مصالح اوضاع مسلمین آنجا از خداوند درخواست داریم. موقع را برای بیان احترامات خود معتنم
می‌شمارم.

حسن اسفندیاری رئیس
مجلس شورای ملی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱-ب

کتابخانه دار...
۱۷/۴/۲۰

القاهرة في ١٤ / ٧ / ١٣٨٨

حضرة صاحب الغرامة محترم اللجنة صباح حسنه استغفاركم

السلام عليكم ورحمة الله.. وبعد فاني اشرف باحاطة في مسامح علميا بتكوين لجنة برلمانية في بصر للدفاع عن حقوق فلسطين ضد مصائب الصهيونية وهذه اللجنة مكونة من غالبية حضرات اعضاء مجلسي الشيوخ والنواب المصريين وهم اولي الناس في بصر بالدفاع باسمها عن اخواننا المنكوبين في فلسطين وقد رأى حضراتهم اظهار هذا الشعور بالتعاون مع اخوانهم وزملائهم شيوخ ونواب الامم العربية والشرقية وذلك بعقد مؤتمر عام في شهر سبتمبر في بلود ان بسوريا.. وقد لجأنا الى محترمكم للسعي في انضمام حضرات ممثلي الهيئة النيابية في قطركم العزيز في هذا المؤتمر.. وندرجو بما عرف فيكم من الهمة ان تكونوا خير عون لزملائكم المصريين في تنفيذ هذه الفكرة وتتكموا بافادتنا بما يتراعى لكم من الملاحظات في هذا الموضوع وان يصلنا الرد في فرصة قريبة حتى نتخذ جميعا للأمر عده..
وتفضلوا بقبول فائق الشكر مع عظيم الاحترام؛

ثروة شكاة علوم انساني ومطالعات فربنجي

رئيس اللجنة البرلمانية المصرية

للدفاع عن فلسطين

علي سام

عبد العزيز

شماره ۳۰۸۰
۱۳۱۷/۴/۲۰

بیان

من المراكز العام لجمعيات الشبان المسلمين

واللجنة العليا للدفاع عن فلسطين

إلى العالم الاسلامى والشعب البريطانى

لم تقتصر مهمة السلطة البريطانية في فلسطين مدة العشرين سنة الماضية على إنفاق أموال المكاف البريطانى وسفك دم الجندي البريطانى - لاحتلال اليهود - من كل الجنسيات والأوطان - محل العرب المسلمين في وطنهم الصمم الذى يتهاوتونه من أربعة عشر قرناً على الأقل حتى صار لليهود أربعمائة ألف ساكن في فلسطين ولد سبعة أمتانهم في أقطار بعيدة عن فلسطين ولا تمت إليها بصلة ولا سبب وحتى تولد من حشر هؤلاء الغرباء في هذا الوطن العربى الاسلامى مشروع إقامة ملك لليهود فيه مما لم يسبق له نظير إلا في الأمم المتوحشة

لم تقتصر مهمة السلطة البريطانية في فلسطين على هذا وعلى السعى لإجلاء العرب عن أوطانهم وحرمانهم من حقوقهم الطبيعية فيها . بل تجاوزوا ذلك إلى اضطهاد المسلمين في دينهم وانهاك حرمة مساجدهم ومقدساتهم وامتهان رجال دينهم وقضاة شرعهم وأئمة جوامعهم ووعاظهم وتشتيت مجلسهم الاسلامى بينما ما يقابل ذلك من تشكيلات اليهود الدينية تتمتع بأعلى منازل الكرامة وتغطى من مظاهر السلطان والنفوذ ما لم تحلم به ولا في تاريخ ملوك بني اسرائيل

تقول ذلك بمناسبة انتهاك الجنود البريطانية في المدة الأخيرة لحرمة المسجد الأقصى أولى القبلتين وثالث الحرمين الشريفين والمكان القدسى الذى بارك الله حوله بنص القرآن الحكيم وأسرى إليه بنبي الله الكريم وخاتم رسله عليه وعليهم أفضل الصلاة والتسليم فأثار احتلال تقلة البوليس الذى قد يكون بين أفراد اليهود وغير السلم للمسجد الأقصى غضب كل من بلته خيره من مسلمى الأقطار ورفقت الاحتجاجات على ذلك من علماء دمشق وعلماء جبل لبنان وعلماء جبل عامل ومن الهيئات الدينية الراقية ومن هيئات أخرى في جهات متعددة معتقدن أن الدولة البريطانية تتحدى شعور المسلمين الدينى في أقطار الأرض وتشتري غضبهم وسخطهم بجميع الأثمان وفي كل المناسبات حتى كأنها تعتمد ذلك في هذه الظروف المالية الحرجة بدليل ما فعلته في آن واحد في المسجد الأقصى على ما أشرنا إليه وفي اتخاذ مسجد أم العمم ثكنة عسكرية معطلة شعائر الله التى كانت تقام فيه وصادة الناس عن عبادتهم في داخله وطردها إمامه ومؤذنه وإفاتها أمين بك التيمى أحد أعضاء المجلس الاسلامى الأعلى بعد إفاتها سماحة السيد محمد أمين الحسينى رئيس هذا المجلس وقبضها على الشيخ الجليل محمد مطيع درويش أحمد قاضي الشرع الشريف في مدينة يافا مع تقدمه في السن وعلى الشيخ محمد صبحى خيزران قاضي الشرع الشريف في مدينة حيفا وعلى الشيخ مصطفى فاضل

المورى قانى مدينة غزة وعلى الشيخ محمد سعد الدين وكيل قاضى صفد وعلى آخرين غيرهم من موطنى الأرفاف والمحاكم الشرعية . وقد وجه إليهم الجنود ألقائاً قبيحة مبنية تدل على أقصى غايات الانحطاط الأخلاق ثم سيقوا إلى سجن الزرعة بلا ذنب نسب إلى أحد منهم كما فعلت قبل ذلك بمجاعة ككبيرة من القضاة الشرعيين والعلماء والوعاظ والمدرسين والخطباء وسأر أصحاب الوظائف الدينية وساقهم مكبلين بالقيود وزجهم فى غياهب السجون وعاملتهم بالضغط الشديد والتضييق وحجزت حريتهم لتحول بينهم وبين القيام بواجباتهم الدينية دون أن توجه إليهم تهمة ما .

إن هذه الحرب التى أعلنتها السلطة البريطانية فى فلسطين على الدين الإسلامى ورجاله موجهة إلى أر بهائة مليون مسلم فى جميع أنحاء الأرض وإن لكل واحد من هؤلاء قلباً يحب به ويفض وإن لكل واحد منهم قوة كبيرة أو صغيرة لا بد أن يسدو عليها أثر هذا الحب وهذا البغض لكل من يحسن إلى المسلمين أو يسيء إليهم وفلسطين والمسلمون من أهلها قوة أعين للمسلمين جيداً . ولا شك أن هذه الاضطهادات النظمية التى ترتكبها السلطة البريطانية ورجالها نحو الإسلام والمسلمين فى فلسطين من أكبر أسباب التعاون الإسلامى على مقابلة هذا العدوان بثله ولاعدوان إلا على الظالمين

وبعد فلا يترن الإنجليز إبطاء ملوك المسلمين وحكوماتهم عن الإعراب للحكومة البريطانية عن شعور شعوبهم وكامن سخطهم فى القضية الفلسطينية لأهم أردادوا أن يتركوا لها الوقت الكافى للافلات من هذا الأتوق والرجوع إلى طريق الحق والصواب ولكن للأسف فإن ذلك الإبطاء كان سبباً لاسترسال السلطة البريطانية وإسرافها فى اضطهاد المسلمين والاعتداء على مقدساتهم مما سيكون له حتماً أسوأ المواقب إذا لم يتدارك الأمر عقلاء الإنجليز وبسببها النظر فيهم وقيل أن يندموا يوم لا ينفخ الندم ولا يجمدى الرجاء . فالعلم يرقص الآن فوق لثم من البارود الجاف اللهب

وعلى أولى الأمر من قادة الإسلام أن يقوموا بواجبهم الدينى المقدس نحو فلسطين الرزية الإسلامية الشهيدة وأن يقدروا مسئوليتهم أمام الله وأمام التاريخ والناس أجمعين

وقل اعلموا فىرى الله علمكم ورسوله والمؤمنون وسررؤون إلى عالم النيب والشهادة فينبشكم بما كنتم تعملون

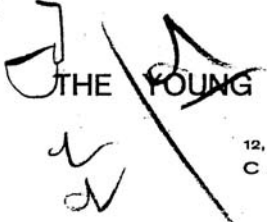
الرئيس العام لجميات الشبان المسلمين
ورئيس اللجنة العليا للدفاع عن فلسطين

المركتور عبد الحميد سمير

مشرق } ٩ مفر سنة ١٣٥٧
} ١٠ أبريل سنة ١٩٣٨

خبر ١٠٠٠٣٨٦٨٨٠

الف



THE YOUNG MEN MUSLIM ASSOCIATION

HEADQUARTERS:
12, AL MALIKA NAZLI AVENUE
CAIRO (Egypt).

An Arab Manifesto from the Supreme Committee to defend the Arab Cause of Palestine.

To the ISLAMIC WORLD and the BRITISH NATION

The authority of the British Government in Palestine during the past twenty years has not been restricted only to spending money collected from British taxpayers, and shedding the blood of the British soldier, in order to bring Jews of various nationalities and countries to replace the Arabs in the land they have inherited for the past fourteen centuries. By this action the Jewish inhabitants of Palestine now number 400,000, of which no less than seven out of every eight were born in far off lands, having no connection with or kindred in Palestine.

It was intended by using these methods of assembling these foreigners in this National Arab Country to raise a problem of a National Home for Jewish people. Such action is alien to all but uncivilized races.

The British in Palestine did not limit their mission to the above, but endeavoured to evacuate the arabs from their homeland, and to deprive them of their National rights. They have gone further than this by ill-treating the Muslims in their religion, attacking their mosques and sacred spots, insulting their men of religion, judges, leaders of prayer, Preachers etc, and by dispersing religion meetings. The Jews, however, enjoy every possible freedom to celebrate their religions rites, and power such as they never dreamed of in the time of Israels' Kings. The contrast is shown clearly by the entrance of British soldiers into the Mosque of El Aqsa, one of the most revered Mosques of the Muslim World, the first of the two Kiblas, and revered as the most holy after Mecca and Medina.

It is the sacred spot which Allah blessed (according to the text of the Holy Kuran), and from which our Prophet (Peace and Blessings be on Him and other Prophets), ascended in his Night journey.

The occupation of the Mosque by Police composed of non-Muslims and Jews affected and angered all Muslims throughout the world when the news reached them. Protests were made by the Ulema of Damascus, Lebanon, Iraq and by religious Communities in various countries. They believed that Great Britain intends to hurt the feelings of the Muslims of the World, causing them disappointment and dissatisfaction whenever a chance occurs.

It seems as though it intends to do this despite the delicate world situation, as their action in the Mosque El Aqsa clearly indicates. Also the Mosque of El Fahm was turned into a Military Barracks. The leader of the prayer and the Muezzin were sent away, and worship ceased.

It has dismissed Amin Bey el Timimi, a member of the High Islamic Council, following that of the leader Sayed Mohamed Amin El Hussein.

The aged Sheikh Mohamed Mutee Darwich, a Muslim Judge at Jaffa, Sheikh Mohamed Sobhi Khizaran, Judge at Haifa, Sheik Mustapha Fadil El Ori, Judge at Gaza, Sheikh Mohamed Saad-ed-Din, Deputy Judge of Safad, were arrested as well as many other Officials of the Wakf and Muslim Legal Courts.

The soldiers behaved very insultingly when making these arrests, showing clearly their mean and impolite disposition. They were imprisoned at El Mazraa without charges being preferred against them. Prior to this many judges, preachers, ulemas, orators and men of religious profession were handcuffed and driven to prison. They were badly treated, allowed no freedom to perform religious devotions, yet no charges were levelled against them.

This is War which the British authority in Palestine has declared against the Islamic Faith and its 400,000,000 of adherents in all parts of the world.

Every Muslim to-day has a heart capable of love or hatred. Each has some power either great or small, and every one of them is affected by love or hatred towards those who are kind or unkind towards the Muslims.

Palestine is to-day the focus of the eyes of the Muslim world. These atrocities in Palestine will bring the Muslims together for retaliation against an oppressor, without the slightest doubt.

The people of England should not be deceived by the slowness of the Muslim Kings and Governments in expressing to Britain the angry feeling of their nationals over the Palestine question. They wished to give her sufficient time to escape from this delicate position, and return to the right path. Unfortunately this slowness has only caused the British authorities to accentuate the harsh treatment of the Muslims and attacks on their sacred shrines, which may lead to grave trouble with bad results, unless wise and farsighted Englishmen consider the matter attentively. This should be done at once, for, if deferred, a tardy repentance may be in vain, for the world to-day is dancing on a barrel of gunpowder. The leaders of Islam must perform their sacred duty to the celebrated Arabic Palestine. They must be careful of their responsibility towards Allah and all the people.

"Say unto them work as ye will but Allah will behold your work, and his Apostle also and the true believers: and you shall be brought before Him who knoweth that which is kept secret. And that which is made public; and He will declare unto you whatever you have done. *"Holy Koran"*.

Cairo, the 10th April 1938 (the 9th Safar 1357 Hegria).

PRESIDENT

Young Men Muslim Association
Supreme Committee to defend the Arab Cause of Palestine
Dr. ABD EL HAMID SAYID

* Translated from the original written in Arabic.



وزارت امور خارجه

اداره
شماره
تاریخ
منتهی

Son Excellence Hassan Rafandiary
Président de la Chambre des députés
de l'Iran,
Téhéran,

Excellence,

En date du 13 Juin 1938, nous avons eu l'honneur de vous adresser un message en guise de convocation pour la participation des honorables membres de la Chambre des députés de l'Iran au Congrès Interparlementaire qui se réunira au Caire, le 7 Octobre 1938 et auquel prendront part les députés des divers pays arabes et musulmans dont l'Egypte, la Syrie, le Liban, l'Irak, la Transjordanie, etc..

Ce Congrès est convoqué pour faire entendre la voix et l'opinion des représentants élus des nations arabes et musulmanes dans la question Palestinienne et pour réclamer en faveur de nos frères, les arabes de Palestine, le respect et le maintien de leurs droits.

N'ayant jusqu'ici reçu aucune réponse de la part de votre Excellence, nous nous permettons de vous rappeler notre message précité dans l'espoir de recevoir votre adhésion et celle de vos honorables collègues à ce Congrès, à l'instar des autres pays arabes et musulmans qui ont répondu à la convocation.

Ci-joint, nous remettons à votre Excellence, cinquante cartes de convocation destinées aux honorables membres de la Chambre des députés de l'Iran.

Dans cette attente, nous vous prions de croire, Excellence, à notre considération très distinguée.

Secrétariat du Congrès Interparlementaire
en faveur de la Palestine

پیام بهارستان / د. ۲، س. ۱، ش. ۳ / بهار ۱۳۸۸

نومره (۱)



اداره.....

وزارت امور خارجه

صا

رونوشت نمره مورخه روزی که اصل آن به نمره ثبت شده

سفارت از طرف وزارت امور خارجه بسفارت شاهنشاهی در قاهره صادر گردید که : ".....
 دعوت نامه دارالانشاء با اطلاع ریاست مجلس شورای ملی رسید سفارت ماموریت دارد با سخ
 لازم بدهد که : مجلس شورای ملی شاهنشاهی از شرکت رسمی معذور هستند ولی مراتب پاگاهی
 آقایان نمایندگان رسید هریک مایل باشند شخصا بطور خصوصی درکنگره شرکت نمایند از وقایع
 فلسطین هم که باعث کشتار و قتل نفوس و ناامنی شده متأسف و امید وار هستند مصادرمربوطه
 که مؤثر در رفع این حوادث میباشد هرچه زودتر بوسائل مسالمت آمیز هدایت و خاتمه باوضع
 اسف انگیز فعلی داده شود "..... نظر وزارت امور خارجه هم در اینک سفارت شاهنشاهی
 در قاهره پاسخ دارالانشاء را بدهد که شاید حتی شفاهی هم باشد این است که چون جواب
 منفی است بصلحی عدم مشارکت مجلس شورای ملی شاهنشاهی و نمایندگان مجلس شورای ملی
 ایران کتبا سابقه از طرف رئیس مجلس شورای ملی در دفتر دارالانشاء نداشته باشد .
 این قسمت هم توضیح داده شود که سیاست دولت شاهنشاهی در اینمورد با سیاست دولت
 عراق و مصر خاصا متفاوت است زیرا دولت های مصر و عراق از نظر قومیت عربی و از این نظر
 که هنوز مذهب را در امور سیاسی و کشوری مداخله میدهند و میخواهند از این راه منافعی را
 بکشور خود جلب کنند البته بشورش فلسطین و منافعه قوی عرب و یهود توجه خاصی داشته
 میل دارند با مداخله شاخصیت خودشان را در میان اعراب و مسلمین ثابت کنند شاید -
 انگلیسها هم چون این دول قرارداد هائی با آنها دارند زیاد مخالف نباشند عراق یا مصر نسبت
 به عرب یا اسلام همت مخصوصی پیدا کنند چونکه بهر صورت شاید با آنها باشند اما ایران که



نوبت (۹)

اداره

وزارت امور خارجه

رونوشت نمره مورخه وزارت که اصل آن به نمره ثبت شده

يك دولت مستقل و مختار در سياست خارجي است و از چندی باینطرف هم سياست مذهب را از امور دولتی و ملی خارج کرده و هیمنظور هم معرض شده است چه نفع دارد حالا رسماً وارد کشمکش فلسطین شود و سياست عراق و نا اندازه مصر را دنبال نماید بهمین نظر مقتضی هم نبود بمناسبت پیمان سعد آباد مذاکره این مطلب از طرف ایران بدول هم پیمان گوشزد شود که قبلاً سياست مشترك معلوم باشد چونکه در آنوقت البته عراق اصرار میوزید ترکیه هم که مشارکت نمی نمود دولت ایران دچار محذور میبشد حالا اگر یکی دیگر از دول پیمان مطلب را در ژنو بین دول پیمان سعد آباد عنوان کند آن موضوع دیگری است و بدیهی است جناب آقای وزیر امور خارجه در صورت چنین پیش آمد اطراف موضوع را گزارش میدهند و مراتب هم باستحضار دفتر مخصوص شاهنشاهی خواهد رسید خواهشمند است مراتب بالا را بشرف عرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی برسانند و اقتضای رای شاهانه را بوزارت امور خارجه ابلاغ فرمایند طبق آن رفتار شود . در صورتیکه نظریه وزارت امور خارجه مورد تصویب واقع شود اجازه خواهند فرمود رونوشتی از این نامه و نامه دارالانشاء و يك نسخه از کارتهای دعوت برای جناب آقای رئیس مجلس شورای ملی برای آگاهی ارسال شود تلگرافاً هم جناب آقای وزیر امور خارجه را از کیفیت مستحضر دارد چنانکه صحبتی در ژنو نسبت باینموضوع بشود از نظر دولت شاهنشاهی آگاهی داشته باشند . در گزارش سفارت شاهنشاهی در قاهره که رونوشت آن ضمیمه شده اشاره بگزارش ۱۹/۵/۱۷ شماره (۱۳۹۱) نموده اند مطالب این گزارش ضمن نامه ۱۷/۸/۱ بدفتر مخصوص شاهنشاهی آگاهی داده شده . محل اضا



نوبه (۶)

اداره

وزارت امور خارجه

ص

روزهت گولوشه نمره ۱۵۴۰ مورخه ۱۹ شهریور ۱۳۱۷ که اصل آن به نمره ۱ ثبت شده

محرمانه

وزارت امور خارجه

در دنباله گزارش محرمانه (۱۳۹۱) ۱۹ مرداد ۱۳۱۷ راجع بنامه ای که آقای علویه پاشا
 جناب آقای رئیس مجلس شورای ملی نوشته است معروض میدارد دیروز منشی جمعیت خصوصی
 وکلا پارلمان مصر برای دفاع از فلسطین بانفاق دوفتر از نمایندگان مسلمین فلسطین و آقای
 مهدی رفیع مشکی (ایرانی) سفارت حاضر شده با تسلیم نامه ای بنام جناب آقای رئیس مجلس
 شورای ملی و پنجاه دعوت نامه چاپی سفید توضیح دادند که: " این دعوت بهیچوجه جنبه
 رسمیت نداشته و یک کار ملی و بکل غیر رسمی است و منظور از این اجتماع این است که بعالم
 حالی کنیم مسلمین همه کشورها بحل قضیه فلسطین علاقمند میباشند و در این قسمت صاحب
 یک نظر و عقیده هستند و چون در نتیجه مکاتبات و مطالعات اینطور دیده شد که تشکیل این
 اجتماع در قاهره برای همه راحت تر است لهذا از تشکیل کنفرانس در بلودان صرف نظر و
 دعوتنامه چاپی سفید بمقدار کافی نزد روسای مجلس ملی کشورهای مختلف اسلامی فرستاده شده
 و میشود تا هر یک از نمایندگان مایل باشند که حتی بصفت شخصی در این اجتماع حضور بفرمایند
 از طرف رئیس مجلس یک کارت دعوت برای چنین نماینده صادر شود و همچنین چون دولت
 اعلیحضرت همایون شاهنشاهی همواره کمال علاقمندی را نسبت بحل قضیه فلسطین ابراز فرموده اند
 امیدواریم هیئت نمایندگی ایران نیز در جامعه ملل لندى الاقتضا از حقوق فلسطین دفاع بفرمایند "

پیام بهارستان / س. ۲، ۱، ش ۳ / بهار ۱۳۸۸

نوبه (۱)



اداره

وزارت امور خارجه

رونوشت نمره مورخه وزارت اداره که اصل آن به نمره ثبت شده

يك دولت مستقل و مختار در سياست خارجي است و از چندي باینطرف هم سياست مذهب را از امور دولتي و ملی خارج کرده و هيمنظور هم معرفی شده است چه نفع دارد حالا رسماً وارد کشمکش فلسطين شود و سياست عراق و تا اندازه مصر را دنبال نماید بهمين نظر مقتضی هم نبود بنسبیت پیمان سعد آباد مذاکره این مطلب از طرف ايران بدول هم پیمان گوشزد شود که قبلاً سياست مشترک معلوم باشد چونکه در آنموقع البته عراق اصرار میورزید ترکیه هم که مشارکت نمی نمود دولت ايران دچار محظور میجد حالا اگر یکی دیگر از دول پیمان مطلب را در ژنو بین دول پیمان سعد آباد عنوان کند آن موضوع دیگری است و یدیهی است جناب آقای وزیر امور خارجه در صورت چنین پیش آمد اطراف موضوع را گزارش میدهند و مراتب هم باستحضار دفتر مخصوص شاهنشاهی خواهد رسید خواهشمند است مراتب بالا را بشرف عرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی برسانند و انتضای رای شاهانه را بوزارت امور خارجه ابلاغ فرمایند طبق آن رفتار شود . در صورتیکه نظریه وزارت امور خارجه مورد تصویب واقع شود اجازه خواهند فرمود رونوشتی از این نامه و نامه دارالانشاء و يك نسخه از کارتهای دعوت برای جناب آقای رئیس مجلس شورای ملی برای آگاهی ارسال شود تلگرافاً هم جناب آقای وزیر امور خارجه را از کیفیت مستحضر دارد چنانکه صحبتی در ژنو نسبت باینموضوع بشود از نظر دولت شاهنشاهی آگاهی داشته باشند . در گزارش سفارت شاهنشاهی در قاهره که رونوشت آن ضمیمه شده اشاره بگزارش ۱۹/۵/۱۷ شماره (۱۳۱۱) نموده اند مطالب این گزارش ضمن نامه ۱/۸/۱۷ بدفتر مخصوص شاهنشاهی آگاهی داده شده . محل امضا

Teheran le 2 octobre 1988

S. Y.

S. E. Y. Allouba Pacha Président du Comité
parlementaire pour la défense de la Palestine
~~secrétaire du groupe parlementaire~~
~~et favori de la Palestine~~

Handwritten signature

Excellence

13

Votre message du 13 juin, en guise
de convocation pour au Congrès
interparlementaire qui se réunira
au Caire, est parvenu à Teheran
au moment où souffrant d'une
grave maladie, j'avais dû, par
ordre de médecin, suivre un

پیام بهارستان / ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ / بهار ۱۳۸۸

۲

traitement rigoureux dans une station thermale assez éloignée de la capitale. Ce contretemps, ainsi que les vacances parlementaires, ne nous ont pas permis, à moi et à mes collègues d'adopter une résolution en temps utile quant à notre collaboration au Congrès interparlementaire.

Malheureusement il est maintenant trop tard pour que le Congrès se réunisse

3

le 7 octobre.

D'autre part les travaux du Medjlis ayant repris et l'ordre du jour des séances étant toujours très chargé à la rentrée du Parlement, il serait difficile aux députés de s'absenter de Teheran en ce moment.

Je vous exprime ~~en~~ au nom de mes collègues et à mon propre nom, tous nos remerciements pour votre aimable invitation ainsi que nos ~~regrets~~ ~~les~~ plus plus vifs

(2)

4

regrets de n'avoir pas pu assister
à la réunion du Caire.

Veuillez croire, Excellence, que
nous sommes tous très émus des
événements qui se passent en
Palestine, ces derniers temps.

Nous souhaitons tous, pleine
résulte à votre Congrès et
nous sommes convaincus d'avance
qu'il contribuera utilement
à l'apaisement de la Palestine
ainsi qu'au bonheur et à la
prosperité de tous les musul-
mans.

Veuillez agréer, Excellence

پروفسور کاظم انصاری
رتال جامع علوم انسانی

5

l'expression de ma haute Considé-
ration

Hassan Efendiari
Président du Medjliss.

۲۲

پی نوشت‌ها:

- ۱- تاریخ جدید کشورهای عربی، تألیف ولادیمیر باراسروویچ لوتسکی، مترجم رفیع رفیعی ص ص: ۳۳۱-۳۳۷ (تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹)
- ۲- تاریخ اسلام، تألیف جمعی از نویسندگان، پژوهش دانشگاه کمبریج، ص ۶۹۶ (تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱)
- ۳- ایران و مسئله فلسطین، علی اکبر ولایتی، صص ۱۳۹-۱۴۰، ۱۵۳ (تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶)
- ۴- تاریخ روابط خارجی ایران (جلد اول) عبدالرضا هوشنگ مهدوی ص ص ۳۹۰-۳۹۵ (تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی